



قربان، عید اخلاص آدمی در ایمان خویش / ذبح تعلق به مادیات با قربانی

حضرت ابراهیم (ع) این را از خدا می خواهد که تسلیم محض شود. این همان حقیقتی است که برای آن روز عید قربان به عنوان عید قرار داده شده است.

حضرت ابراهیم (ع) این را از خدا می خواهد که تسلیم محض شود. این همان حقیقتی است که برای آن روز عید قربان به عنوان عید قرار داده شده است.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: مناسک دینی در اسلام اگر چه متشکل از بایدها و نبایدهایی است و صورت ظاهری خاص خود را دارد و باید بر اساس آنچه که دستورات دینی تاکید کرده است انجام شود، اما تنها صورت ظاهری آن ملاک نیست و همواره حکمت و باطن این اعمال در طول تاریخ مورد سوال اندیشمندان بوده است که اهل بیت عصمت و طهارت نیز به مسئله علل شرایع یا حکمت عبادت ها اشاره داشته اند.

تدبر در مناسک دینی و توجه به باطن آن کمک می کند که مومنین درک حقیقی از آن عمل بیابند و آثاری که قرار است آن عبادت بر روی مومنین داشته باشد بیش تر و ملموس تر خود را نشان خواهد داد. یکی از اعمالی که در ذیل مناسک حج انجام می شود قربانی کردن است. به مناسبت عید سعید قربان مروری به مفهوم قربانی کردن و حقیقت آن خواهیم داشت.

حسن محدثی در نوشتاری گوسفند را نماد تعلقات می داند و قربانی کردن را نمادی از آزمون انسان برای اخلاص در ایمان می خواند.

حسن محدثی در کتاب «حاجی خودتی» در مورد عید قربان و انجام مناسک این روز در حج تمتع می نویسد: ابراهیم به راستی داشت فرزند عزیزتر از جاننش را قربانی می کرد و اسماعیل (به قول اهل تشیع) یا اسحاق (به قول تورات و اهل تسنن) پذیرفته بود که قربانی شود. ولی ما این بار حتا نقش قربانی کردن و قربانی شدن را هم بازی نکردیم و فقط دانستیم که گوسفندی را برای ما و به خاطر ما قربانی کرده اند.

وی ادامه می دهد: انسان ها قبلاً از خودشان مایه می گذاشتند و برای فرونشاندن خشم خدایان، نوجوان یا جوانی را معمولاً برمی گزیدند و به پای خدایان قربانی می کردند. در همان روزی که ابراهیم و بعد پسرش آزمون شدند و از آزمون سربلند بیرون آمدند، خداوند قربانی حیوانی را جایگزین قربانی انسانی کرد و تاریخ وارد مرحله ی جدیدی شد. در واقع، گوسفند بلاگردان انسان شد. پس از دیرباز نوعی رابطه بین انسان بودن و گوسفند بودن برقرار بوده است!

حالا گوسفند قربانی، نماد عزیزترین تعلقات تو است. عید قربان، عید اخلاص آدمی در ایمان خویش است. وقتی خداوند اخلاص ایمانی ابراهیم را دریافت، او را از قربانی کردن فرزند بازداشت. آزمون ابراهیم با سربلندی به انجام رسید

وی می افزاید: در این لحظه از تاریخ، آیین قربانی به نوعی آیین و آزمون اخلاص بدل شد. حالا گوسفند قربانی، نماد عزیزترین تعلقات تو است. عید قربان، عید اخلاص آدمی در ایمان خویش است. وقتی خداوند اخلاص ایمانی ابراهیم را دریافت، او را از قربانی کردن فرزند بازداشت. آزمون ابراهیم با سربلندی به انجام رسید. آزمون ما آزمون گوسفند بود که نتیجه اش از قبل معلوم است!

محدثی می نویسد: داستان ابراهیم داستان تکان دهنده ای است. این داستان آن قدر تأثیرگذار بوده که فرهنگ بشر را متأثر کرده است. برای ابراهیم راحت تر این بود که خودش را قربانی کند. اگر خدا از ابراهیم می خواست که خود را از بالای کوه به پایین پرت کند یا به نحوی خودش را سر به نیست کند، دردسر کمتری داشت. بعد از سال ها و در سر پیری خدا به او فرزندی داد و حالا این فرزند نوجوان نور چشم پدر است، امید ابراهیم است، خدا از او می خواهد کارد بر گوی پسر نازنین بگذارد.

وی ادامه می دهد: و چه پسری! گوش به فرمان امر الاهی: «ای پدر من! آنچه را مأموری بکن. إن شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت» (آیه ی ۱۰۲ سوره ی صافات). چه قساوتی (و یا چه ایمان و اخلاصی) می خواهد اطاعت از چنین فرمانی! ابراهیم در این مورد هیچ اعتراضی به خدا نکرد در حالی که او وقتی که خدا می خواست سدوم و عموره را نابود کند به خدا اعتراض کرد و تذکری جدی داد: «آیا عادل را با شریر هلاک خواهی کرد؟ شاید در شهر پنجاه عادل باشند، آیا آن را هلاک خواهی کرد و آن مکان را بخاطر آن پنجاه عادل که در آن باشند نجات نخواهی داد؟ حاشا از تو که مثل این کار بکنی که عادلان

را با شریبان هلاک سازی و عادل و شریب مساوی باشند. حاشا از تو! آیا داور تمام جهان انصاف نخواهد کرد؟» (تورات، پیدایش، ۱۸: ۲۳-۲۶).

امام موسی صدر اما قربانی کردن گوسفند را کنایه ای از این می داند که انسان با این قربانی در واقع تعلق به مادیات و ثروت را ذبح می کند.

گوسفند کنایه از مادیات و ثروت است: این نیاز انسانی که رشد می کند و فزونی می گیرد و دیگر نیازها را تحت الشعاع قرار می دهد و بدین ترتیب، از شکل ابزار درمی آید و خود هدف می شود و به خدایی برای پرستش تبدیل می شود

امام موسی صدر در خطبه ای به مناسبت عید قربان در مورد این عید می گوید: اگر در این مناسبت ژرف بنگریم، به مفهوم بزرگی که در جانشین شدن گوسفندی به جای اسماعیل -فرزند ابراهیم(ع)- نهفته است، پی می بریم. گوسفند کنایه از مادیات و ثروت است: این نیاز انسانی که رشد می کند و فزونی می گیرد و دیگر نیازها را تحت الشعاع قرار می دهد و بدین ترتیب، از شکل ابزار درمی آید و خود هدف می شود و به خدایی برای پرستش تبدیل می شود. بر اساس رتبه بندی، برآوردن این نیاز که نیاز مادی نامیده می شود، باید در راه تأمین دیگر نیازهای انسان باشد و مبادلات میان انسان ها را تسهیل کند و در نتیجه، در خدمت جامعه و موجب همکاری بیشتر میان اعضای آن شود.

وی ادامه می دهد: ولی نیاز مادی، جای دیگر نیازها را اشغال کرده و عواطف انسانی را که عامل وحدت میان انسان هاست، از دل آنها زدوده است. کار به آنجا رسیده که مال اندوزی بر رفتار و روابط انسان ها حکم فرما شده و آنان را به افرادی سوداگر و استثمارگر و استثمارگر تبدیل کرده که برای رسیدن به اهداف خود از ابزارهای جهنمی، همچون جنگ و فتنه انگیزی و تعصب آفرینی و طبقه بندی انسان ها و تبعیض نژادی و مانند آنها، بهره می جویند. وقتی مادیات اهمیت می یابد و جایگاه آن بالا می رود، انسان به تحقیر دیگران و کلاهبرداری و گران فروشی و مکیدن خون دیگر انسان ها سوق داده می شود.

وی می افزاید: خداوند به ابراهیم(ع) فرمان داد که گوسفندی ذبح کند. این فرمان بدین معناست که انسان باید مال را در راه خدا قربانی کند. این ماجرا مفاهیم بلندتری دارد: ثروت اگر در راه مصلحت مردم خرج شود، برای انسان نعمت بزرگی است، ولی اگر انسان ثروت را برای خود نگه دارد و آن را مقدس بشمارد، مادیات بر همه چیز فزونی می گیرد و به ابزاری برای برکنند رحمت و مهربانی از دل انسان تبدیل می شود و کار به جایی می رسد که انسان، مردم و فرزندان آنان را قربانی می کند. (...)

خداوند به ابراهیم(ع) فرمان داد که گوسفندی ذبح کند. این فرمان بدین معناست که انسان باید مال را در راه خدا قربانی کند. این ماجرا مفاهیم بلندتری دارد: ثروت اگر در راه مصلحت مردم خرج شود، برای انسان نعمت بزرگی است، ولی اگر انسان ثروت را برای خود نگه دارد و آن را مقدس بشمارد، مادیات بر همه چیز فزونی می گیرد و به ابزاری برای برکنند رحمت و مهربانی از دل انسان تبدیل می شود و کار به جایی می رسد که انسان، مردم و فرزندان آنان را قربانی می کند

امام موسی صدر می گوید: با توجه به این نکات می کوشیم معنای عید را درک کنیم و دوباره به آن محتوا ببخشیم. ما در سطح داخل و خارج کشور با طغیان مادیات روبه روییم. اسرائیل و حامیان استثمارگر آن، بندگان ثروت و مکنندگان خون ملت ها هستند.

وی معتقد است: احتکارگران و فرصت طلبان نیز در داخل کشور، بندگان ثروت اند. جشن گرفتن عید بدین معناست که در برابر اینان و آنان بایستیم و مال و ثروت را به جای انسان و در راه اطاعت خداوند و خدمت به بندگان او قربانی کنیم.

وی اظهار می دارد: نادیده گرفتن دردهای مردم و نیازهای آنان، نوعی کفر و صورت دیگری از الحاد است و قرآن در سوره ماعون بر آن تأکید کرده است. بنابراین، اگر می خواهیم عید را جشن بگیریم و در مناسک حج با حجاج شریک باشیم، باید برای مبارزه با گرانی که کمر اکثریت قریب به اتفاق مردم را شکسته است، مبارزه کنیم. اکثر مردم تحت فشارند و کمک و دستگیری به آنان سزاوارتر است تا به کسانی که به نام فقیر شناخته می شوند و ما به کمک کردن به آنان عادت کرده ایم. این مردم بیشترین فشار را تحمل می کنند و همواره در فکر راهی برای کار و کسب معیشت اند و با خشم و ناراحتی و نگرانی به آینده می نگرند، چون در کابوس آینده، نابودی فرزندانشان را می بینند.

حجت الاسلام قاسم ترخان به مناسبت عید قربان در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: پیرامون فلسفه عید قربان ناظر به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر این که می فرمایند عید عبارت است از یک مقطع که انسان را متوجه می کند به یک حقیقت، لازم است آیات ۱۰۲ تا ۱۰۷ سوره صافات را خدمت تان بیان کنم. این جمله مقام معظم رهبری جمله بسیار دقیقی است. آیاتی که عرض کردم عبارت اند: *فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ*

سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ۱۰۲ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ۱۰۳ وَتَادِيْتَاهُ أُنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ۱۰۴ قَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۱۰۵ إِنْ هَذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُئِينُ ۱۰۶ وَفَدِيْتَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ۱۰۷

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی افزود: این آیات مربوط به قربانی کردن حضرت اسماعیل (ع) توسط حضرت ابراهیم (ع) است که حضرت در خواب و عالم رویا دیدند که دارند حضرت اسماعیل را ذبح می کنند. این مسئله را با حضرت اسماعیل در میان گذاشتند و به او گفتند که من در عالم خواب دیدم که دارم شما را ذبح می کنم. نظر تو چیست؟ حضرت اسماعیل فرمود که **يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ** یعنی آن چه که به آن امر شده ای را انجام بده. ان شالله من نیز جزو صابران خواهم بود و مرا از صابران خواهی یافت. شاهد مثال این است که می گوید **فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ**.

قاسم ترخان سپس گفت: عید به معنای برگشت است. یعنی ما برگردیم و دوباره حقیقتی را که اتفاق افتاده است را مرور کنیم. این می شود عید. آن چه حقیقتی بوده که باعث شده این روز عید قربان نام بگیرد. جواب این سوال را در همین یک آیه بیان می کنم که می فرماید **فَلَمَّا أَسْلَمَا**. اسلام آن حقیقتی است که برگشت به آن باعث شده است که روز عید قربان، عید شود. این چه اسلامی است؟ توضیح آن این است که ما یک اسلام قبل از ایمان داریم یعنی قبل از این که انسان مومن بشود باید مسلمان بشود. این همان اسلامی است که در سوره حجرات بیان شده که می فرماید **قَالَتِ الْأَعْرَابُ أَمَّا قُلْ لِمُ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا**. اعراب می گویند ما ایمان آورده ایم. خداوند به آن ها می فرماید که شما ایمان نیاورده اید و فقط مسلمان شده اید. ایمان مرحله ای بعد از اسلام است.

وی اضافه کرد: اسلام قبل از ایمان باعث می شود که برخی از احکام فقهی بر ما بار شود. مثلاً کسی که مسلمان شده خون او محترم است و صیانت دم دارد و نکاح و ازدواج با او جایز است و در قبرستان مسلمانان دفن می شود. این ها احکام فقهی است. این ها مربوط به اسلام قبل از ایمان است. ایمان یک مرحله بالاتر از این اسلام است و آن این است که این چیزی که قبول کرده ای در قلبت رسوخ کند؛ این می شود ایمان. ایمان یک اعتقاد قلبی است که مبتنی بر معرفت است. اما تعبیر **فَلَمَّا أَسْلَمَا** که در سوره صافات آمده است این **أَسْلَمَا** به معنای اسلام قبل از ایمان نیست. بلکه اسلام بعد از ایمان است. اسلام بعد از ایمان یعنی چه؟ اسلام بعد از ایمان یعنی همان مطیع محض شدن، یعنی همان سلم و انقطاع. این که انسان خواست الهی را بر هر خواست خود مقدم بدارد؛ حتی خواست حلال.

قاسم ترخان همچنین عنوان کرد: خواست حرام که جای خود دارد و محل بحث نیست. محل بحث این جاست که حتی خواست حلالی که ما داریم و مال ماست و حلال هم هست، اگر جایی تعارض بین این خواست و خواست خدا ایجاد شد ما خواست و مشیت و اراده الهی را مقدم بداریم. این اسلام بعد از ایمان است یعنی مقام سلم و تسلیم محض شدن و مطیع محض شدن. حضرت ابراهیم (ع) بر اساس خواست طبیعی خود و این که فرزند خود را دوست دارد و این یک خواست انسانی و طبیعی انسان است که نخواهد فرزندش کشته شود، اما وقتی متوجه شد که خواست خدا این است که سر فرزند خود را ببرد حتی سوال هم نکرد که چرا؟ سوال از چرایی هم وجود ندارد؛ چون مطیع محض است.

حضرت ابراهیم (ع) این را از خدا می خواهد که تسلیم محض شود. اسلام بعد از ایمان را از خدا می خواهد. این همان حقیقتی است که برای آن حقیقت روز عید قربان به عنوان عید قرار داده شده است که همه تسلیم محض خدا شوند

وی در ادامه گفت: **فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ وَتَادِيْتَاهُ أُنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَقْتَ الرَّؤْيَا**. این اسلام بعد از ایمان یعنی تسلیم محض شدن است. می خواهم این را عرض کنم که قرآن در موارد متعدد درباره حضرت ابراهیم (ع) این را دارد که مثلاً حضرت ابراهیم (ع) دعا فرمود **رَبِّتَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ**. یعنی خدایا من و حضرت اسماعیل را تسلیم خود قرار بده. این تسلیم به چه معناست؟ این دعای حضرت ابراهیم مربوط به زمانی است که حضرت ابراهیم پیغمبر است. پس هم اسلام داشت و هم ایمان را داشت. این دعای بعد از ایمان است. یعنی خدایا من را مسلمان قرار بده تا اسلام بیاورم. این اسلام بعد از ایمان یعنی تسلیم محض شدن است.

قاسم ترخان خاطر نشان کرد: حضرت ابراهیم (ع) این را از خدا می خواهد که تسلیم محض شود. اسلام بعد از ایمان را از خدا می خواهد. این همان حقیقتی است که برای آن حقیقت روز عید قربان به عنوان عید قرار داده شده است که همه تسلیم محض خدا شوند. فلسفه وجودی عید قربان همین است که حضرت ابراهیم (ع) خواست خدا را مقدم بر همه خواسته ها حتی خواسته حلال خود کرد. بنابراین اگر این سوال مطرح شود که فلسفه عید قربان چیست باید این را گفت که فلسفه عید قربان مقدم کردن خواست الهی بر همه خواست ها حتی خواسته های حلال است. آن حقیقتی که باعث شد روز عید قربان عید تلقی شود و ما باید به آن حقیقت برگردیم تا عید به معنای برگشت معنا پیدا کند همین حقیقتی است که در آیه ۱۰۳ سوره صافات بیان شده است.

وی اظهار داشت: قرآن وقتی داستان حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) را بیان می کند آن جا این تعبیر را دارد که *فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ*. وقتی که این ها تسلیم شدند یعنی به مرحله اسلام بعد از ایمان رسیدند و خواست خدا را بر خواست خود مقدم کردند. در این جا حضرت ابراهیم (ع) اصلاً نپرسید که برای چه باید حضرت اسماعیل (ع) را ذبح کنم؟ مگر چه گناهی کرده و بر چه اساسی باید این کار را انجام دهم؟ اصلاً این را نپرسید و تسلیم محض شد. در این جا خداوند می فرماید *وَتَادِبْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ*.

قاسم ترخان در پایان گفت: اساساً فلسفه وجودی عید قربان همین است که به ما یادآوری کند و مروری مجدد داشته باشیم که باید همه هواهای نفسانی که هیچ، همه آن ها باید قربانی شود، اما خواسته های حلال ما هم باید در بارگاه الهی قربانی شود و ما از خودمان هیچ خواسته ای نداشته باشیم و تمام هم و غم ما اجرای خواست الهی باشد. به قول باباطاهر من از درمان و درد و وصل و هجران / پسندم آن چه را جانان پسندد این فلسفه وجودی عید قربان است.